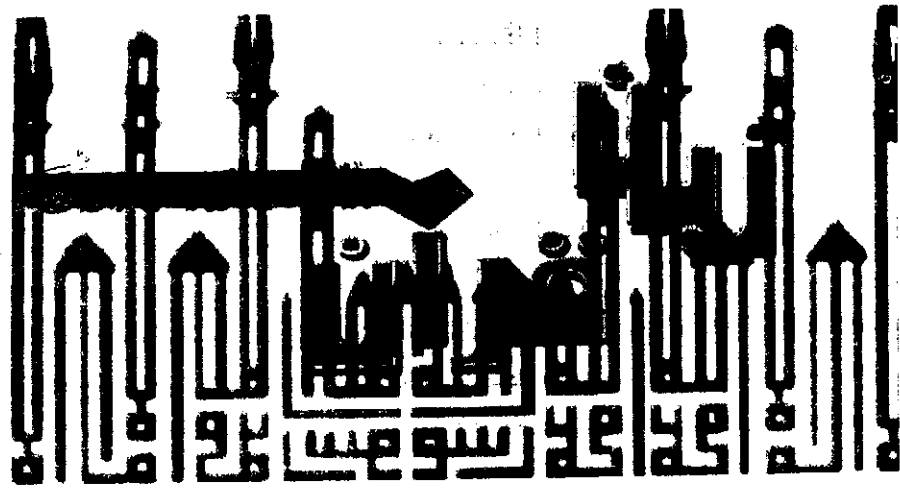


۱۷۵



زیب باستانی

زبان و معانی آن

واژه «زبان» کاربردها و معانی متفاوتی دارد و با توجه به نوع کاربرد و ذهنیت گوینده، معانی ویژه‌ای پیدا می‌کند که گاه ظاهری و ملموسند و گاه معنایی عمیق دارد. آنچه از واژه «لسان» در عربی در ابتدای امر استنباط می‌شود همان معنایی است که لغت دانان هم آورده‌اند. در لغت نامه لاروس آمده است:

اللسان: جارجة فی فم الحيوان من لحم رخو تنفذ فيه عروق عضل و هو فی الانسان آلة الذوق و النطق.^۱

این همان معنای ظاهری، اما در باره معنای باطنی و ضمنی لسان، در ادامه آمده است: لسانه فصیح: ای لغته... لسان القوم: المتکلم عنهم...، لسان صدق: الذکر الحسن. در واقع آنچه افراد از کاربرد واژه «زبان» در ذهن دارند متفاوت است. به این معنا که گاه معنای لفظی آن را قصد می‌کنند و گاه معنای مجازی آن را. در باب معنای مجازی در کتاب «مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم» چنین آمده است:

تصور عمومی در باب زبان این است که زبان ابزار انتقال مفاهیم ذهنی در بین آدمیان است و این عمل با بهره‌گیری از وضع الفاظ برای معانی صورت می‌گیرد. چه این وضع، تعیینی و دارای واضع مشخص باشد و چه در نتیجه کثرت استعمال به صورت تعیینی شکل گرفته باشد.^۲

وقتی مراد از زبان را معنای مجازی آن می‌گیریم برای هر چیز حتی اشیا نیز می‌توان زبان در نظر گرفت.

«دین» نیز به عنوان آنچه راهنمای بشر در مسیر تکامل است به طریق اولی باید دارای بیان و زبانی باشد که بتواند در این مسیر نقش خویش را ایفا نماید.
در این باره برخی زبان دین را، رسولان و فرستادگان الهی دانسته اند چرا که بر اصل «نطق» در زبان تکیه کرده اند.

برخی نیز زبان دین را زبان ایمان دانسته اند نه زبان استدلال و برهان منطقی و آزمودن و تحقیق علمی و تجربی.^۳

گروهی دیگر نیز چون پوزیتیویست‌ها نظریه‌ای کاملاً خلاف این را دارند و معتقدند که تمام گزاره‌های دینی به این لحاظ که قابل تجربه و حسی نیستند مهم‌اند و غیر قابل پذیرش.^۴

البته مباحث زبان دین و به طور عام زبان شناسی متون در چند قرن اخیر در غرب بسیار مطرح گردیده است. مباحثی که تحت عنوان «هرمنوتیک» امروزه مطرح است در واقع همین امر را دنبال می‌نماید. در حقیقت این طور از شواهد بر می‌آید که انگیزه برخی افرادی که به این مباحث پرداخته‌اند، تضادی است که میان عقل و علم با مباحث متافیزیکی و تعابیر رایج دینی در غرب یافته‌اند.^۵

به هر حال آنچه میان زبان در معنای مجازی آن با معنای لفظی آن مشترک است همان ارتباط میان متکلم و مخاطب است یعنی زبان وسیله‌ای است که با آن با مخاطب ارتباط برقرار می‌شود، حال این وسیله گوشتی در دهان باشد یا نوشته‌ای که در باطن و در معنی مخزن حرف‌های بسیاری است.

پس در مجموع آن معنایی که از «لسان القوم: المتکلم عنهم» بود معنایی جامع و قابل پذیرش است. و در نتیجه لسان الذین: المتکلم عنه است و همان چیزی که میان شریعت الهی و بشر رابطه برقرار می‌کند و این همان «قرآن کریم» است.

استاد هادوی نیز در این باره آورده‌اند:

زبانی که دین برای رساندن پیام خود به مردم مورد استفاده قرار داده است... آنچه در بحث زبان قرآن [است همین مطلب است].^۶

در باب زبان قرآن و این که قرآن کریم با چه زبانی با مخاطب رابطه برقرار کرده است نظریات متفاوتی ذکر شده است، که در بخش بعد به تفصیل در این باره سخن خواهیم گفت.

زبان قرآن و نظریات مختلف

در باب زبان قرآن و اینکه قرآن کریم به عنوان هادی بشر با چه بیان و زبانی با بشر رابطه

است نظرات مختلفی در کتاب‌های گوناگون مطرح شده است.

البته با دقت نظر و مقایسه مطالب، با نتیجه‌ای که در مورد تعریف زبان قرآن استخراج شد، برخی از این نظرات بکلی مردود خواهند بود، زیرا برخی از نظریه پردازان مقصود از «زبان قرآن» را گویی «روح قرآن» دانسته‌اند.

در ذیل مجموع نظرات را ارائه می‌کنیم:

۱. زبان قرآن زبان فطرت است:

آیت الله جوادی آملی در تأیید این نظر بطور مبسوط، با استناد به آیاتی نظیر «ما هی الا ذکری للبشر» (مدثر، ۳۱/۷۲) و «وما ارسلناک الا کافه للناس» (فلم، ۵۲/۶۸) قرآن را کتابی توصیف کرده‌اند که برای هدایت همگان تنزل یافته و از نظر حوزه رهنمود نیز همان مشمول است. در نتیجه زبان قرآن باید زبانی جهانی باشد.

ایشان در ادامه مقصود از «زبان قرآن» را، سخن گفتن آن به فرهنگ مشترک مردم معرفی کرده‌اند. و سپس می‌فرمایند:

زبان «فطرت» است که فرهنگ عمومی و مشترک همه انسان‌ها در همه اعصار و امصار

است و هر انسانی به آن آشنا و از آن بهره‌مند است و هیچ فردی نمی‌تواند بهانه بیگانگی با آن را در سر بپروراند...^۷

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

و نشانه اشتراک فرهنگ قرآن کریم را می‌توان در گردهمایی دلپذیر سلمان فارسی و صهیب روحی و لال حبشی و اویس قرنی و عمار عربی در ساحت قدس پیامبر جهانی حضرت محمد بن عبدالله (ص) که با شعار «بعثت الی الایض و الاسود و الاحمر» شهره‌عام شد مشاهده نمود...^۸

۲. نظریه دوم، زبان قرآن زبان ولایت است:

آیت الله حسن زاده آملی درباره این نظریه آورده‌اند:

قرآن حکیم است و آیات او حکمت است و حکمت بهشت است و درجات بهشت به عدد آیات قرآنند و جانی که حکمت اندوخته است شهد بهشت است و ولایت در این شهد است. آری ولایت در بهشت است، ولایت زبان قرآن است، ولایت معیار و مکیال انسان سنج است...^۹

گویی ایشان روح قرآن را ولایت معرفی کرده‌اند یعنی مقصود از زبان قرآن در تعریف ایشان

قرآن و آن مطلبی است که انسان را به بهشت رهنمون می‌سازد.

۳. زبان قرآن، زبان نمادین (تمثیلی) است:

این نظریه که از نظریه تمثیلی بودن دین برآمده است، بر این عقیده است که زبان قرآن تماماً مز و اشاره است و واقعیات به فهم نزدیک می شود اما کنه مطلب و حقیقتی روشن نمی گردد. عرفای اسلامی از این نظریه بهره فراوان بردند و تفسیر «رمزی» قرآن را بر همین اساس بنا نهادند.^{۱۰}

این نظریه با وجود اینکه معنایی درست از زبان قرآن که همان سخن گفتن و ارتباط میان قرآن و بشر است ارائه می دهد، اما یک ایراد اصلی و بنیادی دارد. زیرا در صورت پذیرفتن آن با توجه به اینکه قرآن کریم «تبیان کل شیء» است این سؤال پیش می آید که اگر بشر مخاطب قرآن است، ولی در فهم آن دارای محدودیت است پس چگونه می توان این معنا را جمع نمود.^{۱۱}

البته این موضوع را با نیاز به تفسیر نباید خلط کرد. استاد کمالی دزفولی در این مورد می نویسد: ... چنان نبود که عرب زبانان و بلکه صحابیان، همه قرآن را به مجرد شنیدن بفهمند و در هیچ مورد نیازمند ایضاح و تبیین پیغمبر اکرم نباشند. بلکه فهم بخشی از قرآن محتاج ایضاح پیغمبر اکرم بود، یا کسانی که از او فرا گرفته بودند، هر چند عرب بودند و قرآن به زبان ایشان نازل شده بودند.^{۱۲}

در جای دیگر آمده است:

هر چند گذشت زمان، از جهت پیشرفت های علمی و رشد استعداد و قوه ادراک بشر و یا پیش آمدن وقایعی روشنگر، ممکن است موجب روشن تر شدن مفاد بعضی از آیات و آشکار شدن مقصود از آن گردد، ولی از جهت دیگر، فاصله زمانی، از اموری است که نیاز به تفسیر را تشدید می کند، زیرا از یک سو احتمال تغییر مفاهیم کلمات و فاصله گرفتن از اوضاع و شرایط زمان نزول آیات، آگاهی از مفاد استعمالی آیات در آن زمان و فهم معنای مراد از آن را مشکل نموده و از سوی دیگر، اختلاف نظرها و تشکیک ها و تردیدهایی که به تدریج از طرف مفسران و یا احیاناً مغرضان در مورد آیات کریمه مطرح می شود، مفاد آیات و معانی مراد از آن را در حاله ای از ابهام قرار می دهد.^{۱۳}

۴. زبان قرآن زبان عرف عام است:

گروهی دیگر معتقدند که زبان قرآن، زبان «عرف عام» به معنای «عرف سطحی» می باشد؛ به این معنا که زبان قرآن همان زبان رایج در میان مردم بوده و برای فهم آن، دانستن «قواعد لفظی» کافی می باشد. اهل حدیث و ظاهر گرایان از پیروان این نظریه می باشند.^{۱۴} بر این تعریف از زمان دقیقاً همان اشکالی وارد است که بر نظریه نمادینه بودن زبان قرآن

است. که جمع بندی کامل مطالب در انتهای همه نظرات آورده می شود.

۵. زبان قرآن زبان عرف عام (عرف عقلاء) است:

آیت الله مصباح یزدی در بیان اصولی که باید به عنوان پیش فرض های تفسیر قرآن در نظر گرفت آورده اند:

یکی از این اصول این است که خدای حکیم که این کتاب را برای هدایت ما نازل کرده به زبان عقلا صحبت کرده و طبق اصول محاوره عقلایی سخن گفته است و متفرض بر این اصل، این است که خدای متعال برای فهماندن مقاصدی که از راه این آیات کریمه داشته از همان روشی استفاده کرده که عقلا هم در مقام تفاهم استفاده می کنند یعنی از همان صناعات عقلا استفاده کرده است... البته ممکن است نکته های خاصی و شیوه های بسیار لطیفی در قرآن بکار گرفته شده باشد که عموم مردم توان درک آن را نداشته باشند ولی معنای کار چنین نیست که شیوه بیان قرآن، بیان حقایق بدون سابقه است...

اما همانطور که فهماندن مطالب در بین عقلا دارای مراتب است، هر قدر مفسر بیشتر به حقایق قرآن آشنا و زبان آشناتر و سطح فهم او بالاتر باشد، ممکن است نکته های دقیق تر و لطیف تری را از قرآن استفاده کند.^{۱۵}

۶. زبان قرآن، زبان عرف خاص است:^{۱۶}

گروهی را نظریه ای دیگری است که قرآن و شریعت زبان ویژه خودشان را دارند هر کس بر طبق پیش زمینه هایی که دارد از دین تلقی خاصی دارد. هر قرائتی از دین از سوی هر کس تنها برای خود او ارزش دارد و برای دیگران حجت نیست.

البته این نظریه نیز به صراحت آیه «وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لعلمکم یتذکرون» (ابراهم، ۴/۱۴) قابل تردید است. چرا که با توجه به صریح آیه و اینکه این هم زبانی، باید نتیجه اش تذکار و تذکر باشد پس زبان قرآن باید زبان عرف باشد. لا اقل دربدو امر باید این گونه باشد تا حجت بر همه تمام گردد.

درست است که قرآن کریم دارای زبان ویژه ای است غیرقابل مقایسه با دیگران، اما این به آن معنا نیست که هر کس تنها تلقی خاص خود را از دین و قرآن داشته باشد که گاه هم تضاد بین تلقی ها وجود داشته باشد. بلکه برداشتی از دین بیشتر به واقع نزدیک تر است که با اصول و قوانین کلی و ثابت ارائه شده دین نزدیک تر باشد.

۷. زبان قرآن، زبان اعجاز گونه است:

شهید مطهری در این باره در کتاب «وحی و نبوت» خویش آورده اند:

بسیاری از سخنان زیبا مخصوص یک عصر است، و با ذائقه عصر دیگر، جور در نمی آید و یا حداقل مخصوص ذوق و ذائقه یک ملت است که از فرهنگی مخصوص برخوردار می باشند، ولی زیبایی قرآن نه زمان می شناسد و نه نژاد و نه فرهنگ مخصوص همه مردمی که با زبان قرآن آشنا شدند آن را با ذائقه خود مناسب یافتند.^{۱۷}

ایشان چه از حیث محتوا و چه از حیث ظاهر، قرآن را معجزه دانسته و به اثبات آن پرداخته اند. در جای دیگر نیز در تائید این مطلب آمده است که اعجاز قرآن در بخش زبان قرآن است. زبان قرآن اعجاز بیانی دارد،^{۱۸} اما اینکه این زبان چگونه است بحث دیگری است. این نظریه در اصل با تعریفی که در ابتدا از زبان قرآن کرده ایم تطابق ندارد و مقصود از زبان قرآن آن رابطه میان خالق و بشر (مخلوق) نیست. بلکه گویی مقصود از زبان قرآن، سبک لفظی و معنایی آن است.

۸. نظریه ترکیبی زبان قرآن:

در این نظریه که علامه طباطبایی (ره) آن را برگزیده اند. ایشان معتقدند همان گونه که دین مشتمل بر ابعاد مختلفی است، در متون دینی نیز به طور متناسب از زبان های متفاوت استفاده شده است. ایشان قضایای قرآن را ترکیبی از انشاء اخبار، تمثیل، کنایه، استعاره و حقیقت و مجاز می دانند.

این نظریه نیز با تعریفی که ابتدا از زبان قرآن کریم داشتیم که همان رابطه میان خالق و مخلوق است ناسازگاری دارد.

۹. زبان قرآن از نگاه برهان:

استاد هادوی در بیان این نظریه آورده اند:

عقل می گوید: دین موهبتی است که خداوند از طریق رسولانش در اختیار بشر قرار داده، تا بتواند راه نجات را بیابد و هدایت گردد، پس خداوند با زبانی سخن می گوید که گسترده ترین مخاطبان را در برگیرد و موجبات هدایت عموم را فراهم آورد. اگر سخن خداوند به گونه ای بیان شود که عموم مردم توان فهم آن را نداشته باشند، هدایت همگانی مردم که هدف از ارسال رسل و انزال کتب است، حاصل نخواهد شد.^{۱۹}

۱۰. زبان قرآن، زبان عربی است:

برخی نیز گویی با استدلال برآیه «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» زبان قرآن را زبان عربی دانسته اند.

برخی از معتقدان این نظریه می گویند:

بی تردید قرآن کریم به زبان عربی فصیح و روشن نازل شده و علاوه بر گواهی خبرگان بر فصاحت آن، آیات بسیاری این مطلب را با صراحت بیان کرده است، در پنج آیه، قرآن با وصف عربی ذکر شده و در دو آیه زبان آن عربی مبین معرفی شده است...^{۲۰}

ایشان سپس به دنبال لهجه مورد نظر قرآن در میان لهجه های مختلف زبان عربی رفته اند و آن را لغت قریش تشخیص داده اند.

نتیجه گیری

با توجه به رذیه هایی که به اجمال در ذیل نظریات دوم، سوم و چهارم و ششم و هفتم و هشتم بیان شد. نظریه عرف عام عقلا و نظریه برهانی زبان قرآن و فطرت که مؤید آن دو نظریه است مورد پذیرش است. نظریه عربی بودن زبان قرآن نیز به واسطه زبان قرآن، که ارتباط میان خالق و مخلوق را برقرار می سازد و در بدو و پلکان اول زبان قرآن، زبانی عربی است قابل پذیرش نیست.

در کتاب «مبانی کلامی اجتهاد» به زیبایی این تأییدها و تکذیب ها شرح داده شده است. در آنجا آمده است.

... آنچه گذشت معلوم می سازد که چرا قرآن در پاره ای موارد از زبان صریح عرفی، به زبان تمثیل و استعاره روی آورده است. بسیاری از اوقات در حوزه معارف و مفاهیم عمیق، به دلیل پیچیدگی مطلب و اوج معنا، بیان صریح برای عرف قابل فهم نیست و همین نکته سبب گردیده که در این گونه موارد از شیوه محاوره عرفی عدول و به تمثیل و استعاره، یا تعبیه آیات محکم و متشابه و مانند آن روی آورده شود. این شیوه نیز در راستای همان هدف کلی، یعنی هدایت عمومی و گسترده مخاطبان می باشد

پس هر چند در حوزه احکام فرعی و مباحث اخلاقی به ظواهر پایبندیم، ولی این نکته را نیز می پذیریم که در پاره ای موارد معارف و مفاهیم عمیق به شیوه ای تمثیلی و استعاری ارائه شده است.

برخی از مفسران در این امر، راه تفریط پیموده و بدان اندازه ظاهرگرا شده اند که حتی آیاتی را که ظاهر آنها بر تجسیم خداوند دلالت دارد، حمل بر ظاهر کرده اند...

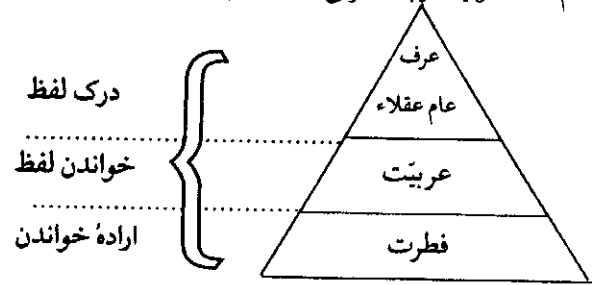
آنچه در مجموع مورد پذیرش می باشد آن است که بسیاری از آیات به زبان عمومی عقلا نازل شده اند...^{۲۱}

به نظر می رسد همانطور که در تحقیق ها نشان می دهد بحث عدم تعمیم نظرها به کل کتاب آسمانی که برخی به آن معتقدند^{۲۲} راه گشای برخی معضلات باشد. اما واقعاً می توان بحث زبان

شناسی قرآن را همچون هرمی در نظر گرفت که فطرت و عربیت آن در مقطع آن، سپس زبان عرف عام عقلا است.

که تا فطرت سالم حکم ندهد بشر به سوی فهم کتابی هم‌زبان خویش هم نخواهد رفت و بالاتر از خواندن لفظ آن که عربی است درک آن است که نوشتار قرآن و زبان قرآن در این مسیر زبان عرف عام عقلایی است.

بنابراین مشخص شد که برخی نظریات با تعریفی که ابتدائاً از زبان قرآن داشتیم مغایرت داشت، برخی از آنها ایراد اساسی و مغایرت با صریح آیات قرآن کریم داشت و باقیمانده در واقع لازم و ملزوم هم هستند و یک رابطه طولی با یکدیگر دارند.



نمودار زبان قرآن

اما نیکوست که زبان قرآن را از زبان قرآن به نظاره بنشینیم:

زبان قرآن از زبان قرآن

آیات قرآن در این زمینه به دو دسته قابل تقسیم هستند.

دسته نخست: آیاتی که زبان قرآن را لسان عربی «فصحیح» و «آسان شده» به زبان پیامبر (ص)

و آیات آن را آیاتی روشن معرفی می‌نماید.

که شامل: سوره‌های رعد/۳۷؛ نحل/۱۰۳؛ سجده/۳؛ دخان/۵۸؛ مریم/۹۷؛ نور/۱؛ عنکبوت/۴۹؛ قمر/۱۷، ۲۲، ۳۲ و ۴۰ و ابراهیم/۴.

دسته دوم: آیاتی که قرآن کریم در آنها به عنوان تذکارتی که، مرزهای قوم و قبیله را رها کرده معرفی شده و تعلق خویش را به کل بشریت نمود می‌دهد که شامل: سوره‌های قلم/۵۲؛ مدثر/۳۱، ۳۵، ۱۶؛ ص/۸۷ و فرقان/۱ می‌باشد.^{۲۳}

با نگاهی به این آیات، گویانموداری که از زبان قرآن از خلال مطالب نتیجه گرفته شده با مطالب این آیات، در تناقض نیست.

۱. العجز؛ خلیل - لاروس المعجم العربی الحدیث، ۱۹۷۲ م، بولیه.
۲. هادی تهرانی، مهدی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم/ ۹۵، قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول ۱۳۷۷.
۳. فراستخواه، مقصود، زبان قرآن/ ۴۲، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۶.
۴. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۲ - ۱۱.
۵. همان.
۶. مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم/ ۳۱۰.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ۳۱/۱، قم: نشر اسراء، چاپ سوم ۱۳۸۱.
۸. جوادی آملی، عبدالله، هدایت در قرآن/ ۶، نشر فرهنگی رجاء، بهار ۱۳۶۳.
۹. عزیزی، عباس، سیمای قرآن در آثار استاد علامه آیه الله حسن زاده آملی، انتشارات نیوخ، چاپ دوم ۱۳۷۹.
۱۰. به عنوان نمونه ر. ک. به: ابن عربی، فتوحات مکیه، ۲۷۹/۱، به نقل از فروهش فر، شادی، رهیافت و رویکرد عقلی و برهانی به فهم قرآن/ ۹۴.
۱۱. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۲ و ۱۱.
۱۲. کمالی دزفولی، سید علی، شناخت قرآن/ ۶۳، انتشارات فجر، چاپ اول ۱۳۶۴.
۱۳. بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن/ ۴۰، تهران ۱۳۷۹، چاپ اول.
۱۴. فروهش فر، شادی، رهیافت رویکرد عقلی و برنامه فهم قرآن/ ۹۴، پایان نامه دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۵. ر. ک. قیسات، ش ۱۸، ص ۲۸، به نقل از فروهش فر، شادی، رهیافت و رویکرد عقلی و برهانی به فهم قرآن/ ۹۵.
۱۶. خلفه مراد، عبدالرحیم، پژوهشی درباره امکان فهم قرآن، پایان نامه دانشکده اصول دین.
۱۷. مطهری، مرتضی، وحی و نبوت/ ۱۰۶، انتشارات حکمت، چاپ اول ۱۳۵۷.
۱۸. فراستخواه، مقصود، زبان قرآن/ ۳۲.
۱۹. مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم/ ۲۹۹.
۲۰. بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۸۹.
۲۱. مبانی کلامی اجتهاد بر برداشت از قرآن کریم/ ۳۱.
۲۲. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۲ و ۱۱.
۲۳. رهیافت رویکرد عقلی و برهانی به فهم قرآن/ ۹۸.

۲۵۲۲

۲۵۲۲